

بررسی ابعاد توسعه در شهرسازی و معماری شهری

دکترهای محمودی نژاد، پژوهشگر دوره دکتری و مدرس دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس و کارشناس ارشد پژوهشکده مطالعات شهری و روستایی سازمان شهرداریها و دهیاریها و مهندس شیما علومی، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

مفهوم توسعه شهری

"توسعه شهری" عبارت است از بسیج بالقوه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی برای بالا بردن "کیفیت محیط زیست شهری" و برقراری توازن در کمیت و کیفیت زندگی شهروندی. در این نوع گسترش، آموزش، خدمات، بهداشت و در مجموع فرهنگ بشری به همراه کیفیت سکونت افزایش می یابد.

در مسائل شهری «رشد شهری»^۲ و «توسعه شهری»^۳ عمدتاً یکی فرض می شوند. در منابع شهرسازی به کلمات و اصطلاحات متعددی برمی خوریم که مهم ترین آنها عبارت اند از: گسترش، گسترش فیزیکی، گسترش کالبدی، گسترش شهری، گسترش مکانی، گسترش مکان های شهری، توسعه محدوده های شهری، توسعه فیزیکی، توسعه کالبدی، توسعه شهری، توسعه مکانی، توسعه مکان های شهری، رشد شهری، رشد محدوده های شهری و... بعضی از اصطلاحات فوق از نظر مفهوم با هم فرق دارند. هرچند اغلب شهرسازان از این اصطلاحات برداشت های مشترکی دارند، علی رغم اینکه این اصطلاحات، یکدیگر را در نسبت های مختلف پوشش می دهند، می توان مفاهیم و کاربردهای مختلفی را از آنها استنباط کرد.

در شهرسازی منظور از توسعه بیشتر، مفهوم گسترش، بسط و رشد مکانی است. دو اصطلاح «توسعه کالبدی» و «توسعه فیزیکی» نیز این مفهوم را تکمیل می کند. از تلاقی و ترکیب انواع فضاها یا کاربری ها و ایجاد ارتباط و حرکت، در زمان و مکان بین فضاهای یاد شده پیکره ای به وجود می آید که به صورت یک سیستم فیزیکی یا کالبدی عمل می کند. این پیکره را می توان یک کالبد به حساب آورد و گسترش این پیکره را «توسعه کالبدی یک شهر» یا یک مکان جغرافیایی قلمداد کرد. ساخت و سیمای شهر از یک سو و حرکات، عملکردها و پویایی شهر یا مکان جغرافیایی مفروض از سوی دیگر، سازنده حیات کالبدی آن هستند.

لذا می توان «توسعه کالبدی یک شهر» یا «گسترش فیزیکی شهر» را این گونه تعریف کرد: به افزایش کمی و کیفی کاربری ها و فضاهای کالبدی (مسکونی، تجاری، مذهبی، ارتباطی و...) یک شهر در ابعاد افقی و عمودی که در طول زمان

انجام می گیرد، می توان توسعه فیزیکی اطلاق کرد.

"توسعه فیزیکی" یک شهر به خودی خود نه می تواند بد باشد و نه می تواند خوب و بی نقص باشد. نمی توان از توسعه شهرها ممانعت به عمل آورد چرا که شهر نیز همچون موجودات زنده، به وجود می آید، رشد می یابد و بزرگ می شود. عوامل عیدیه ای نظیر رشد جمعیت و مهاجرت به شهر، این توسعه فیزیکی را تسریع می کند.

جین و گرهارد لسنکی در کتاب خود با نام "سیر جوامع بشری"، جوامع را بر اساس شیوه معیشت تقسیم بندی کرده اند:

- جوامع متکی بر شکار
- جوامع متکی بر بوستان کاری ساده
- جوامع متکی به بوستان کاری پیشرفته
- جوامع متکی بر کشاورزی ساده
- جوامع متکی بر کشاورزی پیشرفته
- جوامع متکی بر ماهیگیری
- جوامع متکی بر منابع دریایی
- جوامع متکی به گله داری ساده
- جوامع متکی بر گله داری پیشرفته
- جوامع متکی بر صنعت.

پس ماهیت شهرها، مکان های جمعیتی و مجتمع های زیستی این است که توسعه یابند و توسعه شهری محکوم به فنا نیست. منتها، این توسعه باید روند منطقی و کنترل شده به خود گیرد و توسعه باید از پیش تعیین شده باشد نه خود به خودی.

از این نظرگاه می توان توسعه را به دو صورت ذیل مطرح ساخت:

۱) توسعه از پیش تدوین شده:

این نوع توسعه بر روی مقداری مشخص از زمین بایر بر اساس برنامه ریزی و طراحی قبلی، چه به صورت برنامه ریزی دولتی و چه به صورت ارشادی و با



کمک سرمایه گذاری بخش خصوصی طرح خانه سازی، احداث معابر، و ایجاد واحدهای خدماتی و رفاهی متحقق می شود. این زمین معمولاً باید به اندازه‌های بزرگ باشد که بتواند بیش از ده هزار نفر را که حداقل لازم برای تشخیص محل سکونت به عنوان «شهر» است، در خود جای دهد.

۲) توسعه خودبه خود و کنترل نشده

در این نوع توسعه به علت افزایش جمعیت به خصوص افزایش شدید جمعیت شهری به دلیل تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی که مانع رشد شهری در داخل زمین‌های موجود شهر و یا رشد عمودی شهر می‌شوند، در زمین‌های حاشیه شهر ساختمان سازی مسکونی انجام می‌شود. به ندرت این توسعه از ناحیه اقشار دارا و بر روی زمین‌های گران قیمت صورت می‌پذیرد. البته در چنین حالتی ضوابط شهرسازی به مقدار نسبتاً زیادتری رعایت می‌شود، اما اکثر اوقات توسعه نواحی حاشیه ای به صورت توسعه خودرو و فقیرانه است که دربرگیرنده جمعیت مهاجر و کم درآمد است.

ضوابط شهری در این حالت معمولاً رعایت نمی‌شود، چرا که رعایت این ضوابط متضمن هزینه‌هایی خارج از توان مالی اقشار اجتماعی مربوط است. در این صورت حتی اگر شهر دارای طرح جامع باشد، وقتی فشارهای جمعیتی و فشارهای بازدارنده اقتصادی، اجتماعی درون شهر زیاد باشند، معمولاً توسعه حاشیه ای خارج از ضابطه و بدون برنامه انجام می‌گیرد. از همین روست که طرح‌های جامع می‌باید: اولاً متضمن بیشترین نگرش به واقعیت‌های موجود و ابزارهای کارآمد مهار آنها باشند و ثانیاً، به طرح‌های تفصیلی برای همه نواحی شهر برگردانده شوند و ثالثاً راهنمای طرح‌های توسعه پیوسته نواحی حاشیه ای باشند.

یک طرح مشخص توسعه محدود، اگر بتواند ضمن توجه به ضوابط شهری، همه فشارهای واقعی را بیابد و انعطاف لازم را برای آنها در نظر بگیرد، می‌تواند از نابسامانی‌های توسعه حاشیه ای جلوگیری کند.

بر اثر گسترش فضایی و قلمرو نفوذ فیزیکی شهرسازی در محیط‌های

روستایی و نیز به دلیل مبادلات میان شهرها و روستاها که بدون انقطاع به ابعادی جدید از توسعه و تنوع دست یافته است، تعیین حد و مرز و معیارهای تمایز، به‌ویژه در جامعه صنعتی، روز به روز می‌بایستی با دقت بیشتری صورت گیرد. گسترش روز افزون شهر، نظم فضایی یک مکان جغرافیایی را مختل می‌سازد. برای ایجاد نظم فضایی باید مسائل مؤثر در ایجاد نظم فضایی یک شهر را بازشناخت.

مسائلی که نظم فضایی شهر را به وجود می‌آورند عبارت‌اند از:

استفاده از مصالح و روش‌های اصلی ساختمانی با دوام و ثبات و فرم دادن به ساختمان‌ها با شناخت فن آوری این مصالح و با آگاهی از روش‌های ساختمانی که نسبت به یکدیگر تنوع ایجاد کنند؛

استفاده صحیح از وضعیت جغرافیایی و طبیعی زمین که به زیبایی آن کمک می‌کند (پستی و بلندی‌ها، وزش باد و...)

رعایت مقیاس انسانی در کلیه قسمت‌های شهر (اندازه و ابعاد فیزیکی انسان)؛

توسعه آتی شهر که اغلب منازل مسکونی را شامل می‌شود.

توسعه در شهر

توسعه شهری در قالب شهرسازی به عنوان اقدامی از پیش اندیشیده شده برای سکونت انسان سابقه ای بس طولانی دارد. بر مبنای اطلاعات فعلی تقریباً اولین اقدامی که بتوان عنوان اقدامی شهرسازانه به آن اطلاق کرد، احداث شهر «موهنجودارو» در پاکستان در ۲۱۵۰ سال قبل از میلاد است. همچنین برخی دولت شهرهای یونانی یا شهرهایی را که در دوره ساسانیان در مرکز و شمال شرقی ایران به وسیله حاکمان وقت بنا شده اند، می‌توان حاصل اقدامی شهرسازانه تلقی کرد.

در واقع بیشتر چنین شهرهایی که تا قرن نوزدهم احداث شده اند، عمدتاً بخشی از اقدامات سیاسی - نظامی حاکمان وقت به شمار می‌رفته اند و عموماً بافتی هندسی و منظم داشته اند.^۵



در نیمه اول قرن نوزدهم، پس از سرمایه داری و انقلاب صنعتی تغییرات برجسته ای در ساختمان شهرها به خصوص در شمال غربی اروپا به وجود آمد و جمعیت بسیار زیادی به محله‌های قدیمی هجوم آوردند، کارخانه‌ها افزایش یافتند و دودهای مراکز صنعتی خیابان‌های پوشیده از فاضلاب را فرا گرفت. این شهرهای پرجمعیت و آشفته که «شهرهای بیمار» خوانده می‌شدند نوع جدیدی از برنامه ریزی را می‌طلبیدند تا بتوانند آسفتگی شدید آن را از میان ببرند. در واقع آن دسته از مسئولان و اصلاحگران شهرها که عمدتاً با مقررات بهداشتی و کارهای عمومی سروکار داشتند، اولین کسانی بودند که برنامه ریزی جامع شهری را پایه گذاری کردند.^۶

در روند توسعه شهری برای بهبود شرایط بد صنعتی شدن در ابتدا دو راه حل مختلف انتخاب شد. گروهی از متفکران که اصطلاحاً به آنها «ایده‌آل‌گرا» می‌گفتند، مانند اوئن، سن سیمون و فوریه پرچم‌دار نظریه تجدید کامل شهرسازی و تغییر بنیادی آن بودند و برخورد آنها با شهر بر اساس روش‌های جدید زندگی اجتماعی کاملاً تئوریک بود. سایر متفکران می‌کوشیدند مسائل را به‌طور انتزاعی و مجزا و بدون تغییر بنیادی حل کنند. بر این اساس مکتب فکری دوم که عمدتاً متعلق به بخش خصوصی بود و با افکار لیبرال دولتی مطابقت می‌کرد، شکل گرفت. «جنبش باغ شهر» در انگلستان با تشکیل گروه‌های داوطلب و سایر مؤسسات ساختمانی برای ساختن خانه‌های کارگری و خانه‌های چند طبقه برای گروه‌های کم درآمد در تالی این تفکرات انجام پذیرفت.^۷ از دیدگاه جامعه‌شناسی شهری پروژه توسعه شهری ابزار کلیدی نظام مدیریت شهری برای چاره‌اندیشی علمی در روبرویی با پیامدهای ناشی از پیچیده تر شدن نظام جامعه شهری است. از جمله پیامدهای زندگی در جامعه شهری می‌توان به مسائل محیط زیست شهری نظیر آلودگی هوا، آلودگی آب، آلودگی صوتی، آلودگی دیداری، ترافیک و حمل و نقل شهری، ساخت و ساز شهری، حاشیه نشینی شهری، بافت‌های سنتی و شبکه‌های ارتباطی اشاره کرد. بنابراین پروژه توسعه شهری را می‌توان مبنای تجدید ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی شهری تلقی کرد که هدف آن در درجه اول بهبود فرآیند شهرنشینی و روند شهرگرایی، ترمیم محیط زیست شهری، ساماندهی اقتصاد شهری و تقویت جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری است.

تاریخچه توسعه شهری

شهرنشینی نزدیک به پنج هزار سال قبل از میلاد، یعنی پس از گذشت چند هزار سال از آغاز مرحله کشاورزی و هنگامی شروع شد که در پی تحولاتی که در امر کشاورزی رخ داد، کشاورزان توانستند کمی بیش از نیاز سالانه خود، مواد غذایی تولید کنند. در واقع دستیابی به مازاد تولید در کشاورزی نخستین شرط آغاز شهرنشینی بود، چون این مازاد اجازه می‌داد بخشی از جمعیت بی آنکه به کشاورزی بپردازند، تغذیه شوند و همین افراد بودند که به تدریج اولین جوامع شهری را پدید آوردند. عامل دیگر، پیدایش نوعی خط است که بدون آن ثبت دائمی وقایع و تکامل ریاضیات و نجوم و سایر علوم نیز میسر نبود.

ملزومات دیگری نیز وجود دارند که باید در آنها تأمل کرد. مهم‌ترینشان عبارت‌اند از: وجود سازمان اجتماعی که تداوم تولید برای متخصصان شهری را تضمین و نیروهای کارگری را برای کارهای بزرگ اجتماعی کنترل و هدایت کند، و دیگری وجود تخصص تکنولوژیکی که ابزار حمل و نقل کالا را فراهم کند و علاوه بر این، بهبود قابل توجهی در ماهیت و کیفیت ابزار مورد نیاز است.

پس از آغاز زندگی شهرنشینی به علت کندی تحول در امر کشاورزی و عدم دستیابی به مازاد تولید قابل ملاحظه، بخش عظیم جمعیت کشورها ساکن مناطق روستایی و دست‌اندرکار کشاورزی باقی ماندند. با شروع انقلاب صنعتی و به برکت نوآوری‌های آن، نخست در کشورهای صنعتی و سپس در سایر مناطق، افزایش شهرنشینی شتاب گرفت. این افزایش همراه با پدید آوردن ثمره‌های اجتماعی - اقتصادی این انقلاب، به‌ویژه از اوایل قرن نوزدهم شتاب گرفته است.

بنابراین با رشد شتابان صنعت و شهرها و در کنار پخش شدن فضایی فعالیت‌های اقتصادی که به‌خوبی از طریق تحقیقات متعدد ثابت شده است انواع جدیدی از تمرکز مکانی شهری به‌ویژه در مورد مدیریت سطح بالا و فعالیت‌های کنترل‌کننده اقتصاد جهانی در حال شکل‌گیری است. بازارهای محلی و جهانی و همچنین فعالیت‌های منسجم جهانی به نواحی مرکزی نیاز دارد که در آن نقاط الزامات فرآیند جهانی شدن تحقق یابد.

هر چند در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در رشته جغرافیای شهری، به هنگام بررسی علل پیدایش شهرها، غالباً روی چهار نظریه (۱) نظریه هیدرولیک یا مازاد تولید (۲)، نظریه اقتصادی یا رشد بازارها (۳)، نظریه دفاعی، شهر به عنوان یک پایگاه نظامی و دفاعی و (۴) نظریه مذهبی یا پیدایش معابر و عبادتگاه‌ها تأکید می‌شود، ولی صنایع ارتباطی و اطلاعاتی نیز بدون شک زیرساخت‌های گسترده فیزیکی و هسته‌های وسیع شهری را به وجود آورده اند که ابتدا در کشورهای صنعتی و به دنبال آن در دیگر کشورها در حال شکل‌گیری است.^۸

شهر و پایداری شهری

پایداری و توسعه پایدار شهری

مفهوم «پایداری» متقاضی موازنه دقیق بین نیازهای اجباری امروز و نیازهای فردا بین انگیزه‌های خصوصی و اقدامات عمومی در تنگنای حرص و ترحم اجتماعی افراد و همدردی اجتماعی است.

«مدل‌های پایداری» نیز نیاز به تغییر ساختار اساسی در سرمایه گذاری انسانی و بهره‌گیری از فن‌آوری پاک زیست‌محیطی و تجهیز منابع انسانی دارد، بدان‌گونه که در بستر اخلاق جدید جهانی قابل دسترسی می‌نماید که بر همبستگی درون‌ملیتی و جهانی تأکید می‌ورزد.

همبستگی بین‌المللی از این جهت ضروری است که نظام اقتصاد جهانی باید مانع آن شود که سالانه پانصد میلیارد دلار بر روی ملت‌های فقیر بسته شود، زیرا کشورهای در حال توسعه مواجه با تحدیدها و نابرابری فرصت برای بهره‌گیری از تجارب نیروی انسانی و سرمایه‌اند، در حالی که کشورهای توسعه یافته تنها ۳۵ درصد از تولید ناخالص ملی خود را به‌جای آن پانصد میلیارد دلار پرداخت می‌کنند. (گزارش پیش‌زمینه توسعه پایدار: ۱۳۸۰)

«توسعه پایدار» را نیز مفهومی می‌دانند که تأمین مستمر نیازها و رضایتمندی افراد همراه با افزایش «کیفیت زندگی» انسان را مدنظر قرار می‌دهد.^۹

مفهوم توسعه پایدار را می‌توان به استمرار بخشی در رویکرد مفاهیم توسعه ای مرتبط دانست که در بستر منابع مالی، طبیعی و انسانی سعی دارد تا ضمن گسترش بهبود سطح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، توسعه پایدار انسانی را نیز ممکن گرداند. بهبود در سطوح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همگام با التفات به حقوق آیندگان و عدالت اجتماعی برای باشندگان، هدف توسعه پایدار به حساب می‌آید.

«مصطفی تولبا» در کتاب «توسعه پایدار: معیارها و فرصت‌ها» چنین

اشاره می‌کند: «در مفهوم عام، توسعه پایدار می‌بایستی به کمک مردم فقیر بپردازد، زیرا ایشان بدون اراده و بیش از دیگران، به تخریب محیط زیست می‌پردازند. توسعه نیاپستی کیفیت محیط زیست را پایین بیاورد و نباید بهره‌وری را در طول یک دوره طولانی کاهش دهد. همچنین توسعه می‌بایستی مسائل مهمی چون کنترل بهداشت، فن‌آوری مناسب، خودتکایایی غذایی، تأمین آب سالم و پناهگاه زیستی همراه با ابتکارات انسانی را نیز مورد توجه قرار دهد که بر افزایش رفاه اجتماعی تأکید خاص می‌ورزد» (الیوت، ۱۳۷۸: ص ۴)۱۰.

توسعه پایدار مفهومی از رشد اقتصادی را در بر می‌گیرد که موجب بهزیستی و ایجاد فرصت‌هایی برای تمام مردم جهان می‌شود، چنان‌که عادلانه به‌نظر نمی‌رسد معدودی منابع طبیعی جهان را برای منافع شخصی خود از بین ببرند. بر این اساس اقتصاد توسعه پایدار، ضمن توجه به منابع سرمایه مادی که از وسایل مصنوعی تولید و تجهیزات در بخش صنعت، کشاورزی و خدمات تشکیل می‌گردد، به منابع سرمایه اجتماعی یعنی دانش، مهارت، تجربه، انرژی و ابتکار انسانی توجه خاص دارد، چنان‌که استراتژی توسعه پایدار بر تشکیل سرمایه اجتماعی تأکید می‌ورزد.

«نورنر» نیز بر این باور است که توسعه پایدار بایستی ضمن پذیرش یک نرخ رشد درآمد سرانه واقعی از تخریب سرمایه ملی یا سرمایه طبیعی جلوگیری کند.

توسعه پایدار را می‌توان رویکردی دانست که در ملازمه "رشد اقتصادی و بهبود زیست محیطی" شکل می‌گیرد که می‌بایستی در هر مکان و زمانی جنبه عملی گیرد، ضمن آنکه به ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی توجه دارد که با امکان دهی تغییرات در سیاست‌های دولتی در جهت بهبود اقتصادی همگام با ملاحظات زیست محیطی، گام بر می‌دارد و کیفیت زیست محیطی را نیز ارتقا می‌دهد.

در توسعه پایدار سیاست‌های اقتصادی، مالی، تجاری، انرژی، کشاورزی، صنعتی و سیاست‌های دیگر به‌نحوی طراحی می‌شوند که موجب توسعه ای باشند که از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی پایدار باشد (گزارش پیش زمینه توسعه پایدار سازمان ملل).

مفهوم توسعه پایدار نیز سرمایه‌گذاری کافی در زمینه آموزش، بهداشت اجتماعی و انرژی است به‌طوری‌که بدهی اجتماعی برای نسل آینده به‌وجود نیاید. از این بستر توسعه پایدار تنها به جنبه محیط زیست نظر ندارد و تمامی زمینه‌های زندگی انسان را در بر می‌گیرد که می‌بایست در راستای تحقق آن تغییرات اساسی در سیاست‌های ملی و بین‌المللی صورت گیرد.

«مدل‌های توسعه پایدار» می‌بایستی بر چهار اصل بنیان یابند تا رفاه و رضایت اجتماعی و بهبود زندگی جمعی امکان پذیر گردد:

الف- مردم می‌بایستی در مرکز توجه قرار گیرند. حفاظت از محیط زیست جنبه حیاتی دارد ولی به تنهایی هدف نیست بلکه مانند رشد اقتصادی تنها یک وسیله است.

ب- مدل‌های توسعه می‌بایستی بر اساس فن‌آوری سازگار با محیط زیست باشد.

پ- بایستی با انگیزه قوی ارزش درست محیط زیست را در تمام فرآیندهای تصمیم‌گیری انعکاس داد.

ت- مدل‌های توسعه پایدار بایستی مبتنی بر زمینه‌سازی مشارکت همگانی و التفات به وضع جامعه باشد.

همسو با "کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه"، موضوعات اساسی توسعه شامل جمعیت و توسعه، امنیت غذایی، تنوع حیات گونه‌ها و محیط زیست، انرژی، صنعت و چالش‌های شهری می‌گردد (WCED, 1987).

بر این اساس کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، توسعه پایدار را الگویی از توسعه می‌داند که نیازهای بشری را بدون از بین بردن توانایی نسل‌های آینده تعریف می‌کند. بدون شک توسعه پایدار و خاصه توسعه پایدار در ساختار شهری و در قالب مفاهیمی همچون طراحی شهری و معماری پایدار، جز از طریق بهبود کیفیت زندگی شهری و افزایش رفاه شهروندی ممکن نخواهد شد.

توسعه پایدار شهری

رویکردهای نوین شهرسازی از جمله "برنامه ریزی اجتماعی"۱۱، "برنامه ریزی غیر اقلیدسی"۱۲، "نظریه انتقادی"۱۳، "نظریه پدیدار شناسی"۱۴، "نظریه اخلاقی"۱۵ و نظریه «توسعه پایدار شهری»۱۶ را می‌توان تأییدی بر کاربست رویکردهای نوین به انسان، معماری و شهرسازی دانست که اصالت‌هایی همچون اجتماع در مقابل فرد، اخلاق در مقابل منافع، و کیفیت در مقابل کمیت از پارادایم‌های مشترک آن به حساب می‌آیند.

بر این اساس اندیشه در باب الگوهای توسعه شهری مستلزم "تقدیر توسعه در یک محدوده کالبدی" به نام «شهر» است که جنبه ای از فرآیند توسعه را در بر می‌گیرد که با التفات به متغیرهای مرتبط با زندگی شهری شکل می‌گیرد، چنان‌که متغیرهای مرتبط با زندگی شهری بر رفاه اجتماعی شهروندی تأثیر دارد و بایستی در چارچوب مفهوم توسعه پایدار شهری تبیین گردد.

عموم دیدگاه‌های توسعه پایدار شهری بر توسعه فیزیکی و کالبدی شهر تأکید دارند، در حالی که وجه فرهنگی و اجتماعی توسعه شهری تا حدودی ناشناخته می‌نماید. ذکر این نکته نیز اساسی به‌نظر می‌رسد که دو مفهوم «پایداری شهری» و «توسعه پایدار شهری» به دلیل تقارب معانی، به‌جای یکدیگر به کار می‌روند، حال آنکه پایداری مجموعه‌ای از وضعیت‌ها را شامل می‌شود که در بستر زمان، استمرار دارد، در حالی که توسعه پایدار، فرآیندی را تداعی می‌کند که در بستر آن پایداری می‌تواند پدیدار شود.

در نخستین گردهمایی زیست محیطی اروپایی در سال ۱۹۷۵ تأکید شد که در مناطق شهری حفاظت و توسعه کیفیت محیطی در اولویت قرار دارد و گسترش حفاظت از سلامتی و رفاه انسان با استفاده بهینه و منطقی از منابع طبیعی، مضمون ترویجی آن به‌شمار می‌رود.

در سال ۱۹۹۰ نیز کمیسیون جوامع اروپا، نخستین بیانیه را تحت عنوان «Green Paper on the Urban Development» انتشار داد که بر لزوم کاربرد ارتباط همگون بین برنامه ریزی شهر و چارچوب پایدار اقتصادی و اجتماعی در ساختار شهری تأکید کرد، چنان‌که مقررات "منطقه بندی فضایی"۱۷ مورد انتقاد قرار گرفت که به گسترش ایده شهر فشرده^{۱۸} برای رسیدن به توسعه پایدار شهری انجامید.

بر این اساس توسعه پایدار شهری را می‌توان بهره‌وری در استفاده بهینه از زمین و تشویق بر بهره‌گیری مجدد از ساختمان‌ها دانست که امکان "عدالت گسترده اجتماعی" در بستر فضا و برابری اجتماعی را محقق سازد و با فراهم کردن امکانات رفاهی اجتماعی، خدمات شهری و حقوق شهروندی، بهبود کیفیت زیست محیطی شهری و رضایت شهروندی را ممکن گرداند.

پس شهرسازی بایستی به‌عنوان ابزاری مؤثر برای اجرا و تحقق سیاست‌های

ملی و محلی، فرصت‌هایی مطلوب را برای استفاده بهینه از منابع انرژی زمین و محیط زیست در ساختار شهری ارائه کند تا به ایجاد سکونتگاهی امکان دهد که نه تنها زندگی مطلوب و شایسته برای نسل حاضر و نسل‌های آینده را فراهم می‌کند، بلکه پایداری کره زمین و روح انسانی را نیز تضمین می‌کند. در ضمن به این نکته نیز باید اشاره کرد که در توسعه پایدار انسان محور اساسی توسعه قلمداد می‌شود که توسعه انسانی پایدار و بالندگی سرمایه اجتماعی را نیز به همراه می‌آورد.

رویکرد "توسعه انسانی پایدار" به دلایل زیر نقشی اساسی و اهمیتی فزاینده در فرآیند توسعه پایدار و خاصه، توسعه پایدار شهری می‌یابد:

الف- نقشی اساسی در رفاه و تأمین اجتماعی به خود تخصیص می‌دهد؛
ب- بر پایه فرصت‌های برابر برای افراد جامعه و عدالت اجتماعی شکل می‌گیرد؛

پ- به توزیع عادلانه و متساوی دستاوردهای توسعه مدد می‌رساند؛

ت- ارتباطی بین انواع سرمایه گذاری در نیروی انسانی ایجاد می‌کند که امکان بهره مندی از توانمندی تکاملی نیروی انسانی را در پی دارد^{۱۹}.

بر این اساس می‌توان همبستگی توسعه پایدار شهری مبتنی بر توسعه پایدار انسانی را با مفهوم "رفاه اجتماعی شهروندی"، از این باب مورد تدقیق قرار داد که همگام با توسعه پایدار شهری امکان ایجاد شرایط مطلوب زندگی شهری چنان فراهم می‌شود که انسان در محور این توسعه پایدار قرار می‌گیرد و هدف، ابزار و سرمایه آن به حساب می‌آید.

شهر پایدار را می‌توان شهری دانست که در آن تنوع برقرار شود و تفکیک و جدایی کالبدی وجود نداشته باشد و تمام طبقه‌های اجتماعی، امکان بهره گیری از خدمات و تسهیلات رفاهی را داشته باشند. شهر پایدار در روند توسعه پایدار شهری می‌بایستی ملاحظاتی را در ساختار شهری برای گسترش رضایت اجتماعی و افزایش رفاه شهروندی فراهم کند که بی شک تحقق رفاه عمومی، بهبود سطح توسعه انسانی پایدار را نیز به همراه خواهد داشت.

پیش فرض‌های توسعه پایدار شهری

در راستای تحقق توسعه پایدار شهری می‌بایست شرایطی فراهم شود تا امکان بستر سازی توسعه پایدار انسانی و بهبود رفاه اجتماعی شهروندی فراهم گردد که در این بستر می‌توان به برقراری عدالت اجتماعی (هاروی، ۱۳۷۶، صص ۹۹-۱۰۰)، طراحی اقلیمی هماهنگ با محیط زیست انسانی (بحرینی، شیعیه، ۱۳۸۰)، تقویت ساختارهای همبستگی اجتماعی همچون تعهد و مسئولیت پذیری، تقویت بنیان‌های اجتماعی و خانوادگی و احیای محیط زیست همگانی (بحرینی، ۱۳۷۸)، ایجاد انتظام ساختاری در فضای شهری برای ادراک زیباشناختی و خوانایی شهری (کوبین لینچ، ۱۳۸۱، صص ۱۲-۳۴)، بهبود بهره گیری از فضاهای شهری و افزایش رضایت شهروندی (بحرینی، ۱۳۷۸، صص ۹۸-۱۲۹) و یکپارچگی بخشی به ساختار بصری محیط و منظر شهری (گوردن کالن، ۱۳۷۷، صص ۶۴-۹۰) اشاره کرد.

کمسیون جهانی محیط زیست نیز الزامات توسعه پایدار را چنین بیان می‌کند:

۱- مشارکت شهروندان در تصمیم گیری در بستر نظام سیاسی؛
۲- چاره اندیشی برای تنش حاصل از ناموزونی توسعه در بستر نظام اقتصادی؛

۳- التزام به ترمیم و حفاظت محیط زیست در بستر نظام تولیدی؛

۴- فراهم سازی الگوهای پایداری از تجارت مالی در بستر نظام دانش فنی؛

۵- ایجاد الگوهایی از تجارت و دارایی در بستر یک نظام بین المللی؛

۶- وجود انعطاف پذیری و خود اصلاحی در بستر نظام مدیریتی.
بر این اساس توسعه پایدار شهری در تکوین مفاهیم زیر جنبه کارآمدی به خود می‌گیرد:

الف- بستر سازی عدالت اجتماعی و شهروندی؛

ب- بستر سازی مشارکت شهروندی و همبستگی اجتماعی؛

پ- بستر سازی تقویت بنیان نهادهای اجتماعی و بنیان خانوادگی؛

ت- رویکرد استراتژیک به پدیداری توسعه پایدار شهری؛

ث- گسترش آداب و فرهنگ شهروندی؛

ج- مساعدت و سازماندهی ارگان‌های دولتی و خصوصی؛

چ- کارآمد سازی سیاست‌ها و برنامه‌های سیاست گذاری در حوزه کلان شهری؛

ح- گسترش حقوق شهروندی و بهینه سازی مناسبات مدنی.

پی نوشت

۱- برنامه‌ریزی شهری در پروژه‌های آماده سازی زمین، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت امور مسکن، تهران، ۱۳۷۵

2-urban growth

3-urban development

۴- پاپلی یزدی و ابراهیمی، نظریه‌های توسعه روستایی، ص ۶۷

۵- هاشم زاده همایونی، مهرداد، «محلّه و خیابان»، مجله آبادی، شماره ۱۷، ص ۹۱

۶- زاکس، ولفانگ، نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ص ۱۳۵

۷- دلال پور محمدی، محمدرضا، «برخی ملاحظات برنامه ریزی و طراحی در بافت فیزیکی مجتمع‌های مسکونی»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، شماره مسلسل ۱۶۰-۱۶۱، ص ۱۳۰

۸- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: شکویی، حسین، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت

۹- الیوت، جنیفر آ، مقدمه ای بر توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه ترجمه عبدالرضا رکن الدین افتخاری و حسین رحیمی، تهران، مؤسسه توسعه روستایی ایران، ص ۳

۱۰- همان، ص ۴

11- community planning

12- non-euclidian mode of planning

13- critical theory

14- phenomenology theory

15- ethical theory

16- urban sustainable development

17- zoning

18- compact city

۱۹- گریفین، کیث و مک کنلی، تری، تحقق استراتژی توسعه انسانی، ترجمه غلام رضا خواجه پور، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ص ۲۲.

منابع

الیوت، جنیفر آ، مقدمه ای بر توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه ترجمه عبدالرضا رکن الدین افتخاری و حسین رحیمی، تهران، مؤسسه توسعه روستایی ایران، ۱۳۷۸

شکویی، حسین، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت

گریفین، کیث و مک کنلی، تری، تحقق استراتژی توسعه انسانی، ترجمه غلام رضا خواجه پور، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۵، ص ۲۲

برنامه ریزی شهری در پروژه‌های آماده سازی زمین، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت امور مسکن، ۱۳۷۵.